

دست است (دانش‌پژوه، ج ۳، بخش ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱، بخش ۴، ص ۲۵۶۱-۲۵۶۲، مدرسی زنجانی، ص ۲۱۳-۲۱۶).  
 بحرائی، استاد کمال‌الدین میثم بن علی بحرائی [مشهور به ابن میثم\* بحرائی] (متوفی بعد از ۶۸۱) بود. علامه حلی\* آثار او را نزد فرزندش، حسین، خواند و اجازه روایت گرفت. او آثار بحرائی را نیکو شمرده و آگاهی را به علوم عقلی و قواعد حکمی تأیید کرده است (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۶۵). آثار شناخته شده بحرائی عبارت است از: (۱) الاشارات، درباره وجود غیب، نبوت و ولایت. ظاهراً این کتاب همان اشارات الواصلین الی علوم العمیان و تنبیهات اهل العیان من ارباب البیان است که ذیل کتاب کشف الاسرار الایمانیه و هتک اسرار الخطاییه او آمده (آقابزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۹۶، ۹۸) و [ابن] میثم بحرائی، شرحی بر آن نوشته است (همان، ج ۱۳، ص ۹۱، مدرس رضوی، ص ۲۱۴؛ ۲) معراج السلامة و منهاج الکرامه که در آن آرای یکی از علمای معاصر خود را، بی ذکر نام او، درباره وجود واجب‌الوجود شرح کرده است (دانش‌پژوه، ج ۳، بخش ۱، ص ۳۶۲؛ ۳) النهج المستقیم علی طریقه الحکیم که شرحی بر عینیة ابن سیناست و احتمالاً آن را به اشتباه به [ابن] میثم بحرائی نسبت داده‌اند (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۴۲۴-۴۲۵؛ ۴) مفتاح الخیر فی شرح رساله الطیر که شرحی بر دیباچه رساله الطیر اثر عرفانی ابن سیناست (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۹؛ ۵) قصه سلامان و اسال که منتخب روایت حنین بن اسحاق از این داستان است با برخی حذف و اضافات. این کتاب، بدون ذکر نام نویسنده، در ذیل شرح اشارات طوسی به چاپ رسیده است (دانش‌پژوه، ج ۳، بخش ۱، ص ۲۶۰-۲۶۲).

منابع: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ حیدر بن علی آملی، کتاب جامع الاسرار و منبع الانوار، چاپ هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران ۱۹۶۹/۱۳۲۷؛ ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، چاپ مجتبی عراقی، قم ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ محسن امین، اعیان الشیعه، دمشق ۱۹۳۵، ج ۴۱، ص ۲۷۳؛ علی بن حسن بحرائی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف والاحساء و البحرین، نجف ۱۳۷۷، ص ۶۱-۶۲؛ یوسف بن احمد بحرائی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمد صادق بحرالعالم، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، ص ۲۵۳، ۲۶۴-۲۶۵؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، امل‌الآمل، چاپ احمد حسینی، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵، ج ۲، ص ۱۸۹؛ محمدنقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳؛ فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، تهران، بخش ۱، ۱۳۳۲ ش، بخش ۴، ۱۳۳۵ ش؛ محمدباقر بن محمدنقی

کمال‌الدین میثم بحرائی، به درخواست خواجه نصیرالدین طوسی، شرح کرده باشد، یا علاوه بر شرح خواجه نصیرالدین میثم بحرائی نیز شرحی بر آن نوشته باشد (علی بحرائی، ص ۶۱). این رساله، حاوی یازده اصل و ۲۴ مسئله متفرع بر آنهاست. مؤلف، آرای متکلمان اشعری و معتزلی و موارد وفاق و خلاف آنان را در مسایل متنوعی، چون تعریف علم و تقسیم آن به فعلی و انفعالی، آورده و از علم باری (علم فعلی)، بحث کرده و به مناسبتی، قول معتزله را در باب حقایق ثابتة نقد و رد کرده است.  
 در مسئله دهم، به جزئیات علم باری پرداخته و ضمن تحقیق درباره آن، از آرای متکلمان فاصله گرفته و نظر حکمای مشاء را - که علم خداوند به جزئیات را بر وجه کلی می‌دانند - تأیید کرده است (نصیرالدین طوسی، ص ۳۸؛ برای تفصیل بیشتر - علم باری\*).

منابع: عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ سلیمان بن عبدالله بحرائی، فهرست آل بابویه و علماء البحرین، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۴؛ علی بن حسن بحرائی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف والاحساء والبحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طوسی، نجف ۱۳۷۷، چاپ است قم ۱۴۰۷؛ محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، شرح مسئله العلم، چاپ عبدالله نورانی، مشهد ۱۳۴۵ ش.

/ سیف‌الدین محمدی /

بحرائی، کمال‌الدین علی بن سلیمان سترای، عالم و فیلسوف امامی نیمه نخست قرن هفتم. سیدحیدر آملی او را در زمره علمایی آورده است که عرفان را برتر از دیگر راههای شناخت، شمرده‌اند (ص ۴۹۸). از زندگی او اطلاع زیادی در دست نیست، اما چنانکه از نسبت سترای برمی‌آید، در شهر ستره، در یکی از جزایر کوچک بحرین، زندگی و تحصیل کرده است. تنها استاد شناخته شده او، کمال‌الدین احمد بن علی بن سعید بن سعاده بحرائی\*، همچو خود او، از متکلمان و فیلسوفان امامی مذهب بود و مدفن هر دوی آنها در شهر ستره است. بحرائی از طریق این استاد، سلسله استادی خود را در حدیث شیعه با چهار واسطه به شیخ طوسی\* رسانده است (ابن ابی‌جمهور، ج ۱، ص ۱۲).  
 وی همچنین ۲۴ پرسش درباره علم الهی به استادش عرضه داشته که پس از وفات او، آنها را همراه با پاسخهای مختصر استاد و اظهارنظرهای خود، به خواجه نصیرالدین طوسی (احتمالاً پس از عزیمت از الموت در ۶۵۴) تقدیم کرده است. اظهارنظرهای طوسی درباره این پرسش و پاسخها، امروزه در

ادب با یکدیگر رقابت می‌کردند و دوستانه به سنجش سروده‌های هم و مشاعره می‌پرداختند (مدنی، ص ۵۳۲؛ خوانساری، ج ۶، ص ۷۳) درس حدیث بحرانی، فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱) را به شیراز کشانید. او در نقل اصول اربعه حدیث شیعی به دو طریق قایل بود: نخست طریق بحرانی، استاد موثق خود در معارف شرعی، که از طریق بهاء‌الدین عاملی نقل می‌کرد و دیگر به‌طور مستقیم از بهاء‌الدین عاملی (مقدمه، ص ۱۳).

بحرانی در بحرین و شیراز شاگردان بسیاری تربیت کرده که از آن جمله‌اند: شیخ محمدبن حسن مقابی، شیخ محمدبن علی مقشاعی، شیخ زین‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی، شیخ احمدبن عبدالسلام بحرانی، سیدعبدالرضا بحرانی، لطف‌الله‌بن جلال‌الدین شیرازی، میرفضل‌الله‌بن سید محب‌الله دستغیب حسینی، شیخ احمدبن جعفر بحرانی. از این شاگردان، علاوه بر میرفضل‌الله دستغیب، شیخ احمد بحرانی نیز از او اجازه دریافت کرد (خوانساری، ج ۶، ص ۷۵؛ آقابزرگ طهرانی، همانجا؛ علی بحرانی، ص ۸۷). بحرانی شعر نیز می‌سرود. مدنی (ص ۵۰۰-۵۰۴) بیش از پنجاه بیت از اشعار او را آورده است. دیوان شعرش را که به بزرگی وصف شده حرّ عاملی (ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶) دیده و آقابزرگ طهرانی (ج ۹، قسم ۳، ص ۹۵۰) معرفی کرده است. از دو قصیدهٔ رائیهٔ او نیز یاد کرده‌اند: یکی در مرثیهٔ امام حسین علیه‌السلام که خوانساری (ج ۶، ص ۷۳) و کشمیری (ص ۳۶) مطلع آن را آورده‌اند و دیگری در قتل خلیفهٔ دوم عمر که قمری (ج ۲، ص ۳۷۱) و کشمیری (همانجا) مطلع آن را نقل کرده‌اند.

در منابع موجود نام چند اثر از او ذکر شده که عبارت است از: تقریظ بر قصیدهٔ جعفربن محمد بحرانی؛ حاشیهٔ اثنی عشریهٔ بهائیه؛ حاشیهٔ تهذیب؛ حاشیهٔ خلاصهٔ الرجال که علی بحرانی (ص ۸۷) آن را به خط مؤلف دیده است؛ حاشیهٔ شرایع الاسلام؛ حاشیهٔ معالم‌الدین؛ سلاسل‌الحدید فی تقیید اهل‌التقلید؛ مقدمهٔ واجب؛ وقف‌نامه؛ یوسفیه؛ در اصول عقاید که بحرانی آن را به درخواست و به نام حاج یوسف‌بن نصرالله بحرانی نوشته است. بحرانی فرزندی به نام سید عبدالرؤف داشته که شعر می‌سروده و مناجاتنامهٔ منظوم او را خوانساری (ج ۶، ص ۷۷) و علی بحرانی (ص ۹۱-۹۲) نقل کرده‌اند.

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ سلیمان‌بن عبدالله بحرانی، فهرست آل‌بابویه و علماء‌البحرین، چاپ احمد حسینی، قم ۱۲۰۴؛ علی‌بن حسن بحرانی، انوار‌البدین فی تراجم علماء‌القطیف والاحساء والبحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طیبی، نجف ۱۳۷۷، چاپ انست قم ۱۲۰۷؛ یوسف‌بن احمد بحرانی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمدصادق بحر‌السلام، قم [بی‌تا].

مجلسی، بحارالانوار، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محمدنقی مدرس رضوی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، تهران ۱۳۵۲؛ محمد مدرس زنجانی، سرگذشت و عقاید خواجه نصیرالدین طوسی، تهران ۱۳۶۳؛ حسین بن محمدنقی نوری، مستدرک الوسائل، تهران ۱۳۱۸-۱۳۲۱/۱۹۰۰-۱۹۰۴، ج ۳، ص ۲۶۲.

/ مادلونگ (ایرانیکا) /

## بحرانی، کمال‌الدین میثم - ابن میثم بحرانی

**بحرانی، ماجدین هاشم، ادیب، شاعر، فقیه و محدث شیعی** قرون دهم و یازدهم. در جدّ حفص بحرین به دنیا آمد و در همانجا تحصیل کرد و به امامت جمعه و جماعت و منصب قضا رسید؛ اما پس از چندی به شیراز رفت (مدنی، ص ۵۰۰-۵۰۴؛ یوسف بحرانی، ص ۱۳۵-۱۳۷). بحرانی، شیراز را محیط مناسبی برای گسترش علوم و معارف اسلامی، بویژه فقه و حدیث، یافت، و گفته‌اند نخستین کسی بود که حوزهٔ نشر حدیث را در شیراز سامان بخشید. بتدریج شهرت بحرانی بالاگرفت و دستداران فقه و حدیث از حجاز و عراق نزد او رفتند، و شیراز مرجع فقه و حدیث و حل‌وفصل امور شرعی و اجتماعی شد. بحرانی تا واپسین روزهای زندگی خود، از حوزهٔ علمی شیراز و امامت جمعه و جماعت و منصب قضای آنجا پاسداری کرد (حرّ عاملی، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ سلیمان بحرانی ص ۷۳). او در ۲۱ رمضان ۱۰۲۸ درگذشت و در جوار امامزاده میرسید احمد (شاهچراغ) فرزند امام موسی کاظم علیه‌السلام به خاک سپرده شد.

معاصران بحرانی بسیارند؛ زیرا در عهد صفویه حوزه‌های علمی پرباری پدید آمده بود و مسلمانان جهان، بویژه شیعیان، به مراکز علمی ایران آمد و شد داشتند. بحرانی حدود ۱۰۱۵-۱۰۱۶ در اصفهان با شیخ بهاء‌الدین عاملی (متوفی ۱۰۳۰) دیدار کرد و در ۱۰۱۶ (آقابزرگ طهرانی، ج ۱، ص ۲۳۸) از او اجازه گرفت (خوانساری، ج ۶، ص ۷۴-۷۵، ج ۷، ص ۷۹؛ علی بحرانی، ص ۸۶). در ۱۰۲۰ فضل‌بن محمدبن فضل عباسی این اجازه را از روی دستخط بهاء‌الدین عاملی بازنویسی کرد. همچنین عاملی بر پشت کتاب خود، الاثنی عشریه، اجازه‌ای برای بحرانی نوشت که آقابزرگ طهرانی (همانجا) آن را در کتابخانهٔ شخصی سیدصدرالدین عاملی دیده و از آن یاد کرده است. بحرانی نیز در اجازه‌ای که به سیدمیرفضل‌الله‌بن سیدمحب‌الله دستغیب داده از بهاء‌الدین عاملی و ابن‌خاتون عاملی (متوفی ۱۰۳۸) به عنوان استادان مجیز خود یاد کرده است (خوانساری، ج ۶، ص ۷۴-۷۵؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱، ص ۲۲۸). بحرانی و ابوالبحر جعفربن محمد خطی بحرانی، ادیب و شاعر، در شعر و